

۳۰ آبان، برگزاری یازدهمین پاسداشت ادبیات جهاد و مقاومت



به مناسبت هفته کتاب و کتاب خوانی، «یازدهمین پاسداشت ادبیات جهاد و مقاومت» همراه با انتشار تقریظ رهبر انقلاب اسلامی بر

کتاب «تنها گریه کن» از سوی مؤسسه پژوهشی-فرهنگی انقلاب اسلامی برگزار خواهد شد. به گزارش ایسنا، این مراسم روز یکشنبه ۳۰ آبان ماه، با حضور جمعی از خانواده‌های معظم شهدا، پیشکسوتان جهاد و مقاومت و فعالان حوزه ادبیات و هنر دفاع مقدس، با رعایت دستورالعمل‌های بهداشتی برگزار می‌شود. همزمان با این مراسم، «آیین ملی تجلیل از مادران شهدا و تقدیر از نویسندگان کتاب‌های مرتبط با دفاع مقدس در مراکز استان‌ها برگزار خواهد شد. کتاب «تنها گریه کن»، روایت زندگی خاتم اشرف سادات منتظری، مادر شهید محمد معماریان در دوران مبارزات انقلاب اسلامی، جنگ تحمیلی و پس از آن است که به قلم خاتم اکرم اسلامی تدوین و توسط انتشارات حماسه‌پاران منتشر شده است.

آغاز طرح پاییزه کتاب از ۲۹ آبان



طرح پاییزه کتاب ۱۴۰۰ با مشارکت ۹۶۶ کتابفروشی از ۲۹ آبان ماه در سراسر کشور آغاز می‌شود تا سوم آذرماه ادامه خواهد داشت.

به گزارش ایرنا، از مجموع ۹۶۶ کتابفروشی عضو طرح، ۷۳۷ کتابفروشی در مراکز استان‌ها و ۲۲۹ کتابفروشی در دیگر شهرهای استان‌ها هستند. بیشترین مشارکت کتابفروشی‌ها در طرح پاییزه کتاب ۱۴۰۰ به استان‌های تهران، خراسان رضوی و اصفهان به ترتیب با ۱۱۷، ۱۴۵ و ۹۴ کتابفروشی تعلق دارد.

آرزو دارند لباس مدافعان حرم را هم بشویند

فاطمه سادات میر عالی، نویسنده کتاب «حوض خون» در گفت‌وگو با خراسان

از چگونگی جمع‌آوری ۶۴ خاطره ناگفته از بانوانی می‌گوید که در دوران دفاع مقدس لباس رزمندگان را می‌شستند



۶۶

این افراد، در آن بازه‌ای که کار می‌کردند، خیلی کار سختی داشتند و ریه‌هایشان هنوز درگیر است و از پس با مواد شوینده و آب سرد و لباس‌های شیمیایی سروکار داشته‌اند، دست‌هایشان زخم دارد. اوایل با احتیاط صحبت می‌کردند و نمی‌گذاشتند عکس بگیرم. بعد که می‌رفتم جلوتر، می‌دیدم آن‌ها با وجود سختی‌ای که کشیده‌اند، آن قدر از این کار لذت برده‌اند و با شور و حال این کار را انجام می‌داده‌اند که به من لباس رزمنده‌ها را نمی‌شستند؛ به بیمارستان می‌رفتند و سر و صورت مجروحان را تمیز می‌کردند؛ راهروها را می‌کشیدند؛ کمپوت و شربت در دست می‌کردند و برای رزمنده‌هایی که به ایستگاه راه‌آهن اندیمشک می‌آمدند، نان و غذا می‌پختند و تلفن در اختیارشان می‌گذاشتند تا با خانواده‌شان تماس بگیرند. باز رزمنده‌ها عین بچه‌خودشان رفتار و آن‌ها را تر و خشک می‌کردند. در جلسه‌های قرآن‌شان صندوقی می‌گذاشتند و پول جمع می‌کردند و دشت و دستکش و شوینده برای رخت‌شویی می‌خریدند تا لنگ

طرح می‌کردم و خودم می‌رفتم سر وقت آن آدم‌ها؛ چون می‌خواستم از نزدیک ببینمشان و در نهایت با هر ۶۴ نفر ملاقات و یک دور دیگر صحبت کردم. بعد از تبدیل مصاحبه‌ها به متن، می‌بردم تک‌تک برایشان می‌خواندم و اگر خاطرات جدیدی یادشان می‌آمد یا اصلاحاتی داشتند، اضافه می‌کردم. حتی روی واژه‌ها حساس بودند که همان چیز را که گفته‌اند، ثبت شود و این کار این مزیت را داشت که من جرئت تخیل پردازی نداشته باشم. من فقط حلقه‌های وصل کلام را بالا و پایین می‌کردم یا اول روایت یک گره افکنی می‌گذاشتم. تمام محتوا روایت خود این خانم‌هاست.

از این که رهبر انقلاب «حوض خون» را تحسین کردند، چه حسی دارید؟ من خیلی خوشحالم از این که این بانوان با مجاهدت‌های خالصانه‌شان دیده شدند. با خودشان هم که حرف می‌زد، می‌گفتند الحمدلله که حضرت آقا می‌دانند جمهوری اسلامی چنین سربازهایی دارد. این خانم‌ها در گمنامی کارشان را کردند و دقیقاً

جلسات قرآن‌شان و می‌گفتند آمده‌ای قرآن یاد بگیري؟ بعضی‌هاشان هم به من می‌گفتند: نکند می‌خواهی خاطرات ما را بگیری و علیه انقلاب و برای شبکه‌های خارجی استفاده کنی! این افراد، در آن بازه‌ای که کار می‌کردند، خیلی کار سختی داشتند و ریه‌هایشان هنوز درگیر است و از پس با مواد شوینده و آب سرد و لباس‌های شیمیایی سر می‌رفتیم و سراغ «ننه غلام» را می‌گرفتیم، خیلی‌ها نمی‌شناختند. این پیدا کردن آدم‌ها که بعضی‌هاشان حتی به شهرهای دیگر رفته بودند، سخت بود. مایک گروه ۷، ۶ نفره بودیم که در صد‌های میدانی این افراد را پیدا می‌کردیم و همکاران محقق هر کدام را که می‌یافتند، به من وصل می‌کردند و بعد من با آن‌ها ارتباط می‌گرفتم و آن ارتباط گرفتن هاورا ضعی کرد نشان به مصاحبه خیلی سخت بود. یادم هست بعضی وقت‌ها می‌رفتم مسجد محله‌شان و مدت‌ها رفت‌وآمد می‌کردم تا من را بشناسند. می‌رفتم در محله‌شان یا مصلا می‌نشستم و می‌گفتم ببین من همان هستم که در مصلا بودم و... می‌رفتم

پیاپی می‌کردم و دوباره یک سری سؤالات می‌پرسیدم. پیاده می‌کردم و دوباره یک سری سؤالات

موضوع رخت‌شویی وجود دارد. جست‌وجو کردیم و فهمیدیم تا به حال درباره‌اش کار نشده است. از مراحل گردآوری این ۶۴ روایت و چالش‌هایی که بر سر راهتان بود، بگوئید. یکی از چالش‌های ما این بود که مثلاً فلان خانم را در زمان جنگ همه به اسم «ننه غلام» می‌شناختند و وقتی بعد از سال‌ها به آن محله‌ها می‌رفتیم و سراغ «ننه غلام» را می‌گرفتیم، خیلی‌ها نمی‌شناختند. این پیدا کردن آدم‌ها که بعضی‌هاشان حتی به شهرهای دیگر رفته بودند، سخت بود. مایک گروه ۷، ۶ نفره بودیم که در صد‌های میدانی این افراد را پیدا می‌کردیم و همکاران محقق هر کدام را که می‌یافتند، به من وصل می‌کردند و بعد من با آن‌ها ارتباط می‌گرفتم و آن ارتباط گرفتن هاورا ضعی کرد نشان به مصاحبه خیلی سخت بود. یادم هست بعضی وقت‌ها می‌رفتم مسجد محله‌شان و مدت‌ها رفت‌وآمد می‌کردم تا من را بشناسند. می‌رفتم در محله‌شان یا مصلا می‌نشستم و می‌گفتم ببین من همان هستم که در مصلا بودم و... می‌رفتم



الیه آرانیان- «زیر نور لامپ حوض‌های پر از خون را دیدم. هر روز آن صحنه‌ها را می‌دیدم. ولی آن بار، توی تاریکی و سکوت شب، خیلی عجیب و دردناک بود. سرخی خون زیر نور لامپ برق می‌زد. نمی‌خواستم باورش کنم. چندبار چشم‌هایم را باز و بسته کردم. به جای آب تال‌آلود خون را می‌دیدم. جگرم سوخت. دیدم ننه غلام و هر زاهم مثل من روی حوض خون ماتشان برده». این سطرهای تأثیرگذار از کتاب «حوض خون» روایت زنان اندیمشک از رخت‌شویی در دفاع مقدس است؛ کتابی که این روزها نامش، به دلیل موضوع بکرو تازهای که دارد، حساسی سر زبان‌ها افتاده و چندی پیش، رهبر معظم انقلاب هم در دیدار عوامل برگزاری کنگره شهدای زنجان از آن تمجید کردند و در بخشی از سخنان‌شان گفتند: «من اخیراً یک کتابی خواندم به نام «حوض خون». البته من در اهواز دیده بودم؛ خودم مشاهده کردم آن جایی را که لباس‌های خونی رزمندگان را و ملحفه‌های خونی بیمارستان‌ها و رزمندگان را می‌شستند؛ این کتاب تفصیل این چیزها را نوشته؛ انسان واقعاً حیرت می‌کند؛ انسان شرم‌منده می‌شود در مقابل این همه خدمتی که این بانوان انجام دادند در طول چند سال و چه زمانی را احتمال شدند؛ این‌ها چیزهایی است که قابل ذکر کردن است». فاطمه سادات میر عالی با همکاری هفت پژوهشگر، ۶۴ روایت از زنان شهرستان اندیمشک را که در سال‌های دفاع مقدس لباس رزمندگان را می‌شستند، به نگارش درآورده است. این کتاب که فروردین ماه امسال منتشر شد، حالا به چاپ سوم رسیده است. در ادامه گفت‌وگوی ما با فاطمه سادات میر عالی، نویسنده کتاب «حوض خون» می‌خوانید.

چه شد که به سراغ موضوع رخت‌شویی در دفاع مقدس رفتید؟ شهرهایی مثل اندیمشک که آن قدر در دفاع مقدس و ادبیات دفاع مقدس دیده نشده‌اند، موضوعات بکری دارند. اولش هدف ما این نبود که برویم زنان رخت‌شویی دفاع مقدس را پیدا کنیم، قرار بود نقش اندیمشک در انقلاب و دفاع مقدس را کار کنیم. بعد در تحقیقات میدانی‌ای که انجام دادیم، در همان روزها و هفته‌های اول، متوجه شدیم موضوعات بکرو کار نشده‌ای از جمله همین

ادای دین کیهان کلهر به نیشابور



جدیدترین آلبوم موسیقی با نوازندگی کیهان کلهر با عنوان فارسی «آبی همچون شب فیروزه‌ای» در دسترس موسیقی‌دوستان جهان قرار گرفت. به گزارش ایلنا، کیهان کلهر، نوازنده کمانچه، در این آلبوم با هنرمندانی چون ساندیپ داس، نوازنده طبل، کارن اوزونیان، نوازنده ویولن سل، سمفونی بریجپورت گریتر واریک جاکوبسن همکاری کرده است. این آلبوم

آلبوم علی صادقی در راه است



اولین آلبوم مشترک علی صادقی و علی امیرشاهی منتشر خواهد شد. تصمیماتی درباره رونمایی از آلبوم و عرضه‌های اینترنتی گرفته شده است که به زودی جزئیات و زمان انتشار آن اعلام خواهد شد. به گزارش موسیقی‌ما، بهنام ناصری، مدیر برنامه‌های علی صادقی و علی امیرشاهی در این باره گفت: «بر اساس برنامه‌ریزی‌ها، تصمیم به اجرای پروژه‌ای گرفته شد که در قالب یک اثر بی‌کلام پیش روی مخاطبان قرار گیرد. این

فجیع: این واژه در عربی به کار نرفته است و فارسی‌زبانان آن را ظاهراً از روی واژه فجیعه به معنای «مصیبت، بلا، یزگ» ساخته‌اند. در فارسی واژه‌های بسیاری هست که می‌توان به جای این واژه به کار برد مانند جانگذا، جاسوز، رقت‌آور، رقت‌بار، دردناک و... کوشک: حرف پایانی این واژه «ک» است و نه «گ». غالباً آن را به صورت کوشک می‌نویسند که غلط است. میلیار: این واژه از زبان فرانسوی گرفته شده است و در دواول فارسی‌زبانان غالباً آن

آگهی



اداره کل بنادر و دریانوردی استان بوشهر

به استناد سند شماره ۱۹۷۳۲ شناسه ۱۴۰۰/۰۸/۰۳ مورخ ۱۴۰۰/۰۸/۰۳ دفترخانه اسناد رسمی شماره ۵۰ بوشهر، تعاونی فانوس ماهیان خلیج فارس گروه چهار هزار و پانصد و هشتاد و پنج با شناسه ملی ۱۰۹۶۰۰۳۷۱۹۵، نسبت به انتقال شش دانگ یک فروند شناور بشماره ثبت ۱۸۳۶۹-بوشهر به آقایان اکبر آبخو با شماره ملی ۳۵۰۱۳۵۹۳۸۱ (پنج و نیم دانگ) و مختار مومنی با شماره ملی ۳۵۷۹۹۸۳۱۷۲ (نیم دانگ) اقدام نموده‌اند. مراتب به استناد ماده ۲۵ قانون دریایی ایران آگهی می‌گردد.

اداره کل بنادر و دریانوردی استان بوشهر

آگهی



اداره کل بنادر و دریانوردی استان بوشهر

به استناد سند شماره ۲۹۸۶۵ شناسه ۱۴۰۰/۰۸/۰۴ مورخ ۱۴۰۰/۰۸/۰۴ دفترخانه اسناد رسمی شماره ۴۴ گناوه، اصغر مطری (یک و نیم دانگ) با شماره ملی ۵۲۹۹۸۷۸۷۵۳، عبدالرضا غضبانی (یک و نیم دانگ) با شماره ملی ۵۲۹۹۸۱۹۶۶۸ و بداله میثمی (مالک سه دانگ) با شماره ملی ۶۶۱۹۵۶۷۳۰۴ نسبت به انتقال شش دانگ مشاع یک فروند شناور بشماره ثبت ۱۸۱۱۴-بوشهر به خانم فاطمه بدری با شماره ملی ۳۵۳۰۱۷۸۰۰۴ (شش دانگ) اقدام نموده‌اند. مراتب به استناد ماده ۲۵ قانون دریایی ایران آگهی می‌گردد.

اداره کل بنادر و دریانوردی استان بوشهر

آگهی



اداره کل بنادر و دریانوردی استان بوشهر

به استناد سند شماره ۹۳۶۷۴ شناسه ۱۴۰۰/۰۷/۰۷ مورخ ۱۴۰۰/۰۷/۰۷ دفترخانه اسناد رسمی شماره ۱۳ دیلم، آقای علی عبادی با شماره ملی ۶۶۱۹۹۳۹۱۳۹ نسبت به انتقال شش دانگ یک فروند شناور بشماره ثبت ۱۷۹۳۱-بوشهر به خانم زینب حیدری با شماره ملی ۳۵۳۹۲۶۹۷۹۷ اقدام نموده‌اند. مراتب به استناد ماده ۲۵ قانون دریایی ایران آگهی می‌گردد.

اداره کل بنادر و دریانوردی استان بوشهر

آگهی



اداره کل بنادر و دریانوردی استان بوشهر

به استناد سند شماره ۹۳۱۸۰ شناسه ۱۴۰۰/۰۴/۲۳ مورخ ۱۴۰۰/۰۴/۲۳ دفترخانه اسناد رسمی شماره ۱۳ دیلم، آقای نیما رئیسی با شماره ملی ۳۰۲۰۲۳۸۲۴۲، نسبت به انتقال شش دانگ یک فروند شناور بشماره ثبت ۱۸۳۴۸-بوشهر به آقایان مسعود دشمن‌زبیری با شماره ملی ۳۵۳۰۰۵۳۷۲۴ (یک دانگ) و امید بلادنژاد با شماره ملی ۵۲۷۹۹۳۷۹۷۵ (۲ دانگ) و علیرضا دامشی با شماره ملی ۵۲۹۰۰۸۴۲۹۰ (یک دانگ) و محمدرضا متانت با شماره ملی ۵۲۹۰۰۷۹۱۰۶ (دو دانگ) اقدام نموده است. مراتب به استناد ماده ۲۵ قانون دریایی ایران آگهی می‌گردد.

اداره کل بنادر و دریانوردی استان بوشهر